

# صلح و سعادت

## در فلسفه سیاسی صدرالمتهلین

محمد مشکات\*

استادیار گروه فلسفه دانشگاه اصفهان

### چکیده

این مقاله دارای دو هدف یا مسئله اصلی است: نخست، رابطه دوسویه صلح و سعادت؛ دوم، تعامل و تضاد متقابل و متعکس آندو بدون هیچ نقطه ایستا و پایانی. چنانکه پیداست رویکرد مقاله توصیفی نیست بلکه در بخش اصلی خود، تحلیلی یا توصیفی-تحلیلی است. نوآوری مقاله در تبیین و کشف رابطه دوسویه صلح و سعادت و کشف رابطه متضاد دوسویه آن از متون ملاصدراست. این رابطه بر مبناهای مختلفی در اندیشه صدرالمتهلین مورد تحلیل قرار میگیرد. بر مبنای انسان‌شناسی ملاصدرا، از زوایای گوناگون بدست می‌آید که صلح شرط سعادت دنیوی و اخروی است و سعادت نیز عامل تحکیم صلح است. وجودشناسی و جهان‌شناسی صدرایی نیز مبنای تحلیلهای نگارنده در باب رابطه دوسویه صلح و سعادت است؛ بر این مبنای تحلیل میکنیم که چگونه جامعه صدرایی در عین برخورداری از تکثرها میتواند عمیقاً وحدتگرا باشد. تحلیل رابطه صلح و سعادت بر مبنای اندیشه‌های دینی صدرایی نشان میدهد که چگونه صلح در دنیای مدرن به مخاطره افتاده است. ساختار حکومت و کارکردهای آن نیز بتفصیل دیگری پرده از رابطه دوسویه صلح و سعادت برمیدارد، چنانکه اندیشه‌های اخلاقی ملاصدرا

نیز رابطه دقیق صلح و امنیت و سعادت اخلاقی را بر ملا میسازد.

### کلیدواژگان

صلح  
خلافت  
اخلاق  
سعادت  
حکومت  
دین  
قانون

### مقدمه

برای آنکه بحث از رابطه صلح و سعادت در اندیشه‌های صدرالمتهلین موجه باشد، باید ابتدا از امکان و وجود نظریه سیاسی ملاصدرا سخن گفت و سپس به نظریه او در باب سعادت توجه نمود. بنظر میرسد همه نظریه‌های سیاسی در چارچوبهایی از متافیزیک، جهان‌شناسی، وجودشناسی، اخلاق، انسان‌شناسی و مانند آن شکل گرفته‌اند. ویلیام بلوم در اینباره میگوید:

هر نظریه سیاسی در چارچوب نظام فلسفی گسترده‌تری پدید می‌آید و تمامی اصول متعارف و مفروضه‌هایش را از آن میگیرد. باید

\*.Email:mohammad.meshkat@yahoo.com

تاریخ تأیید: ۹۳/۷/۱۵

تاریخ دریافت: ۹۳/۵/۱۳